

دو سوم عرصه‌های تالابی در معرض خشکیدگی شدید/ آیا تالابی برای آیندگان باقی می‌ماند؟

تهران - ایرنا - شعار امسال روز جهانی حفاظت از تالابها «حفاظت از تالابها برای آینده مشترکمان» تعیین شده اما مساله این است باید ببینیم با روند کنونی تامین حقا به، کاهش بارش و خشکیدگی دو سوم عرصه‌های تالابی در کشور آیا تالابی برای آیندگان باقی می‌ماند؟ آیا مثلا فرزندانمان می‌توانند روزی پریشان، هامون یا کافترا را به عنوان تالاب ببینند یا فقط نامی از آنها می‌شنوند.

گروه جامعه [ایرنا](#) - تالابها یکی از جلوه‌های کم‌نظیر و ناب‌ترین اکوسیستم‌ها در طبیعت هستند، سراسر ایران پر از تالاب‌های دائمی و فصلی فراوانی است که با در نظر گرفتن شیرین یا شور بودن آبشان، سرپناه امن گونه‌های گیاهی و جانوری متنوع و زیادی هستند، این حوضه های آبی با فراهم کردن شرایط مناسب آبی و قابلیت زادآوری اولیه، به بقای گونه های جانوری و گیاهی روی زمین کمک می کنند و موجب تعادل در چرخه اکوسیستم می شوند.

درون تالاب ها گونه های گیاهی و جانوری بی شماری زیست می کنند که حذف شدن یکی از آنها چرخه طبیعت را دچار اختلال می کند، تالاب ها مانند مادری مهربان دامن خود را برای در آغوش گرفتن انواع آبزیان و کنارآبزیان پهن کرده و تا جایی که در توان دارند در مقابل ناملایمات و چالش ها از آنها حمایت می کنند، اما گاهی این چالش ها به حدی بزرگ می شود که دیگر توان مقاومت از تالاب هم گرفته می شود، مانند ورود انواع فاضلاب ها، هجوم گونه های گیاهی و جانوری غیربومی، ندادن حقا به و خشک کردن بستر تالاب به بهانه کشاورزی که این حوضه های آبی را تهدید می کند و تعداد زیادی از آنها را هم به مرز خشکی کشانده و حتی تعدادی کاملا خشک شده اند؛ تمام اینها نتیجه زیاده خواهی انسان است که در نهایت دودش به چشم خودمان می رود.

در حالیکه کمر به نابودی تالاب ها بسته ایم که مزایای زیادی برای طبیعت دارند از جمله تالاب ها می توانند ذخیره سازی آب، حفاظت در مقابل توفان و کاهش تخریب سیل، تثبیت خطوط ساحلی و مهار فرسایش، تزریق مجدد آب های زیرزمینی، پالایش آب از طریق تثبیت عناصر

محلول، رسوبات و دیگر آلودگی ها و تعدیل آب و هوای محلی را داشته باشند در حالیکه بشر با نابودی تالاب ها خود را از تمام این مزایا بی بهره می کند.

در مجموع ۴۲ نوع تالاب طبیعی در سطح جهان شناسایی شده که از این تعداد ۴۱ نوع آن در ایران یافت می شود از این رو ایران کشوری غنی از لحاظ دارا بودن تالاب است، بیش از ۸۰ تالاب از انواع مختلف شور، شیرین، ساحلی و کوهستانی در کشور شناسایی شده است، بر این اساس یکی از قدیمی ترین معاهده های بین المللی در دنیا که مربوط به تالاب هاست در ایران شکل گرفته که به کنوانسیون رامسر معروف است، دوم فوریه سال ۱۹۷۱ برابر با ۱۳ بهمن ۱۳۴۹ در شهر رامسر در شمال ایران به امضا رسید و به نام این شهر در جهان معروف شد.

در واقع کنوانسیون رامسر و معاهده آن، ۱۵۸ کشور عضو را ملزم به تعیین و حفظ تالاب های با اهمیت بین المللی و تشویق به استفاده خردمندان از آن ها می کند، این کنوانسیون بر حفاظت و بهره برداری معقول از تالاب ها به خصوص در راستای فراهم کردن زیستگاهی برای پرندگان آبی تأکید داشته که با گذشت سال ها، کنوانسیون گستره نگرش خود را چنان افزایش داده که تمام ابعاد حفاظت و بهره برداری معقول و پایدار از تالاب ها را در بر می گیرد، تالاب های طبیعی را در زمره اکوسیستم هایی می داند که در حفاظت از تنوع زیستی و رفاه جامعه بشری اهمیت فوق العاده ای دارند.

از طرفی تامین حقا به تالاب ها در ادامه حیات این اکوسیستم های آبی نقش اساسی دارد اما در کشور با کاهش بارندگی مواجه هستیم به طوری که بارش سال آبی امسال تاکنون حدود ۴۳ درصد کمتر از بارش نرمال بوده است، در واقع تمام آورد آبی کشور بیش از ۴۰۰ میلیارد متر مکعب بود که ۱۳۰ میلیارد آن را روان آب تشکیل می داد، اکنون وضعیت به گونه ای شده که این میزان به کمتر از ۳۸۰ میلیارد متر مکعب رسیده است. همچنین اکنون حدود ۱۵۰ میلیارد متر مکعب بدهی به آبخوان ها داریم و سالانه سه تا چهار میلیارد متر مکعب به این عدد اضافه می شود.

در این شرایط متأسفانه حقا به تالاب ها تامین نمی شود این در حالیست که تالاب های زیادی در کشور برنامه حفاظت و مدیریت زیست بومی دارند که باید بر اساس آن میزان و نحوه تامین حقا به مشخص و

اجرایی شود اما وضعیت تالاب‌ها نشان می‌دهد که این روند به درستی اجرایی نمی‌شود و حقا به محیط زیستی در اولویت نیست.

بر این اساس با توجه به اهمیت موضوع دوم فوریه به عنوان روز جهانی حفاظت از تالاب‌ها نامگذاری شد و هر سال شعاری برای این روز تعیین می‌شود که شعار امسال "حفاظت از تالاب‌ها برای آینده مشترکمان" در نظر گرفته شده است.

متخصص مدیریت زیست‌بوم‌های تالابی در گفت و گو با خبرنگار محیط زیست ایرنا با اشاره به شعار امسال روز جهانی تالاب‌ها با عنوان حفاظت از تالاب‌ها برای آینده مشترکمان گفت: نکته شعار امسال این است که آیا چیزی از عرصه‌های تالابی برای آیندگان باقی می‌ماند یا خیر؟ بر اساس اعلام سازمان حفاظت محیط زیست حدود ۳ میلیون و ۴۰۰ هزار هکتار عرصه‌های تالابی کشور است، در این میان وسعت ۲۱ تالاب اصلی مانند دریاچه ارومیه، بخش ایرانی هورالعظیم، میانکاله، بختگان، طشت، انزلی، گاوخونی، جازموریان، یادگارلو، شادگان، بخش ایرانی هامون، پریشان، کافت، صالحیه، اله آباد، بلمک، قوری گل، میقان، شور، بیشه دالان و قره قشلاق بیش از ۲ میلیون هکتار است.

علی ارواحی افزود: اینها تالاب‌هایی هستند که به شدت در معرض تنش آبی، خشکیدگی‌های بعضاً طولانی مدت یا فصلی و کم آبی‌های شدید قرار دارند حالا اگر تالاب‌های کمتر شناخته شده را به اینها اضافه کنیم به وضوح می‌بینیم که حداقل دو سوم عرصه‌های تالابی کشور به شدت در معرض خشکیدگی قرار دارند و یا خشک شده اند.

وی ادامه داد: علاوه بر این می‌شنویم که ۴۹ تالاب کشور دارای برنامه‌های مدیریت زیست بومی هستند وقتی نگاه می‌کنیم می‌بینیم اتفاقاً بخش قابل توجهی از این ۲۱ تالاب برنامه مدیریتی دارند مثلاً دریاچه ارومیه، پریشان و شادگان از حدود ۱۵ سال پیش برنامه مدیریتی آنها تصویب شده، تالاب‌های بختگان، طشت، گاوخونی و هامون از حدود ۱۰ سال پیش برنامه مدیریتی دارند بقیه تالاب‌ها هم همینطور هستند.

وی اظهار داشت: به نظر می‌رسد که برای تالاب‌ها در ظاهر برنامه‌هایی تهیه کرده ایم اما در عمل و عرصه شاهد حفاظت و احیای تالاب‌ها و اکوسیستم‌های تالابی نیستیم با این روند بعید است بستری به اسم تالاب برای نسل‌های آینده باقی بماند که بدانند مثلاً روزی

پریشان، کافت و یا گاوخونی تالاب بوده یعنی اگر زمان بگذرد شاید اصلا این موضوع به تاریخ بپیوندند.

ارواحی تاکید کرد: تنها معضل تالاب ها و عرصه های تالابی کشور بحث خشکیدگی نیست، مهمترین آن بحث تامین نشدن حقا به ها، ورود پساب ها و خشکیدگی ها است، اما ما همچنان شاهد این هستیم که پساب های صنعتی، شهری، روستایی، آلاینده های نفتی وارد تالاب ها می شوند، تالاب های انزلی، صالحیه، زریبار، شادگان، هورالعظیم و حرای میناب مصداق هایی هستند که از این موضوع رنج برده و می برند.

وی افزود: یا گونه های غیر بومی که بلای جان گونه های بومی گیاهی و آبی تالابی شده است، سنبل آبی در انزلی نه تنها مهار نشده بلکه در حال وارد شدن به تالاب عینک و حتی سرایت به آب بندان های مازندران است، یا ماهی تیلاپیا در شادگان یک معضل بود و به تدریج داریم می بینیم که ممکن است به هامون هم برسد البته اگر آبی در هامون باقی بماند یا وارد هورالعظیم می شود، ماهی کاراس نیز معضلی برای دریاچه نئور شده است.

متخصص مدیریت زیست بوم های تالابی ادامه داد: از طرف دیگر بحث تغییر کاربری اراضی تالابی را در برخی تالاب ها مانند بیشه دالان، کمجان و بلمک داریم و در برخی تالاب های دیگر این مشکل از گذشته بوده و همچنان لاینحل باقی مانده است، در تالابی مانند انزلی این تغییر کاربری ها موضوعی جدی است که متاسفانه بیشتر از جنس پاک کردن مساله با آن مواجه می شویم.

وی اظهار داشت: شکار بی رویه پرندگان هم معضل دیگر تالاب ها است که همچنان در تالاب های ساحلی شمال کشور اتفاق می افتد، صید غیراصولی آبزیان به ویژه با برق که آسیب زیادی وارد می کند در تالاب شادگان و برخی تالاب های ساحلی همچنان ادامه دارد و بهره برداری بی رویه از ذخایر آبی هم آسیب زیادی به تالاب ها وارد می کند، مجموعه این موارد تصویر خوبی از تالاب ها و دریاچه ها به ما نمی دهد البته تلاش هایی شده اما وضعیت تالاب ها نشان می دهد که این تلاش ها چندان موثر نبوده است.

ارواحی گفت: علاوه بر این موارد مهمترین مشکل تالاب ها بحث حقا به ها است، قطعا از هر مجرای که لازم است باید درباره تخصیص و تامین حقا به ها کار شود، اینکه مطالعاتی درباره تامین نیاز آبی تالاب ها اتفاق می افتد به تنهایی کافی نیست اینکه آیا مطالعات همزمان

پروتکل های تخصیص حقا به را هم پیش بینی می کند یا خیر مهم است، در مطالعاتی که انجام می دهیم علاوه بر تامین نیاز آبی یک تالاب باید شاهد این باشیم که آن گروه مشاور پروتکل هایی نیز برای تخصیص حقا به پیشنهاد بدهند، آنجاست که سازمان محیط زیست همزمان می تواند به استناد عدد تعیین شده و پروتکل های تخصیصی وارد گفت و گو و مذاکره با وزارت نیرو و جهاد کشاورزی و سایر بخش ها شود.

وی تاکید کرد: اما در این روند یک مشکل اساسی وجود دارد اینکه متاسفانه همچنان تالاب ها و دریاچه ها در اولویت نیستند و این را به وضوح می بینیم، مثلا در بسیاری از حوضه های آبریز می بینیم که چندان به سهم محیط زیست یا نیاز آبی تالاب ها توجه نمی شود، در واقع در این زمینه یک مشکل زیر بنایی داریم.

وی درباره دلایل ناکامی برخی برنامه های مدیریتی تالاب ها گفت: مدیریت زیست بومی یک مجموعه اصولی را با خودش به همراه دارد مثلا اولین اصل این رویکرد می گوید که بحث مدیریت تالاب باید تبدیل به یک انتخاب و خواست اجتماعی شود اما اتفاقی که در عمل افتاده این است که آن بستر سازی مناسب، بسیج اجتماعی و حساس سازی به اندازه کافی اتفاق نیفتاده است، دوم اینکه به نظر می رسد تمرکز بیشتر روی کمیت این برنامه های مدیریتی بود تا کیفیت و اجرایی شدن آن، شاید بهتر بود به جای اینکه عجله می کردیم که تعداد این برنامه ها را بالا ببریم قدری روی کیفیت محتوا و اجرایی شدن آن متمرکز می شدیم.

متخصص مدیریت زیست بوم های تالابی افزود: یکی از اصول این رویکرد می گوید که تمرکز زدایی از سطح ملی باید به سطوح محلی اتفاق بیفتد اما در عمل تدوین این برنامه ها غالبا به شکل دستوری و تصمیمی از بالا گرفته شده است که برای اجرا به پیمانکار سپرده می شود، در واقع با مشارکت انتزاعی شاهد تدوین یک برنامه مدیریتی هستیم که در نهایت در خروجی می بینیم که در سطوح محلی مدام می گویند که مثلا رئیس جمهور حمایت کند تا فلان تالاب احیا شود، در حالی که لازم است آن نهادهای محلی به اندازه کافی درگیر شوند و نسبت به موضوع احساس مالکیت کنند و آن برنامه را اجرا کنند.

وی اظهار داشت: مساله بعدی نحوه تامین اعتبار این برنامه هاست، در واقع اعتبار لازم برای اجرایی شدن آنها مبهم است اینکه چه

میزان از اعتبار لازم برای اجرای این برنامه ها نیاز است و از کجا تامین شود، این یکی دیگر از مشکلاتی است که این برنامه ها را با بن بست مواجه کرده، مساله بعدی این است که در ساختار اجرایی این برنامه ها دبیرخانه هایی پیش بینی شده این دبیرخانه ها پاشنه آشیل اجرای این برنامه ها هستند که متاسفانه به اندازه کافی توانمند و تقویت نشدند پس موضوعی که مهم است این است که برای اجرایی شدن این برنامه ها سرمایه گذاری بیشتری برای تقویت این دبیرخانه ها صورت گیرد.

ارواحی گفت: علاوه بر آن یک مشکلی که وجود دارد این است که تجربه لازم برای اجرایی کردن این دست برنامه ها به شکل مشارکتی نزد متولیان وجود ندارد یعنی به نظر می رسد بیشتر تا مرحله تدوین و تهیه برنامه ها یک ایده هایی وجود دارد و برای اجرایی کردن ایده چندان نیست، متاسفانه نسبت به موضوع بعضا متعصبانه برخورد می شود یعنی فضای لازم برای همفکری، ابتکار عمل یا خلاقیت جدیدی که بتواند به اجرایی شدن این برنامه ها کمک کند، داده نمی شود.

وی ادامه داد: رئیس جمهور همواره تاکید می کند که برنامه زیاد داریم لازم است این برنامه ها اجرایی شوند، امیدواریم سازمان محیط زیست به عنوان متولی امر بحث اجرایی شدن برنامه هایی که تهیه شده را در اولویت قرار دهد به جای اینکه مدام بخواهد تعداد این برنامه ها را بالاتر ببرد، به عنوان مثال از ۱۵ سال پیش برنامه مدیریت برای یک تالاب داریم اما همچنان می بینیم که بحران در آن تالاب یا دریاچه وجود دارد و حتی تشدید شده است.

متخصص مدیریت زیست بوم های تالابی گفت: با تمام این مشکلات با مشکل کم بارشی هم مواجه هستیم، بارش سال آبی امسال تاکنون حدود ۴۳ درصد کمتر از بارش نرمال بوده است که اگر این روند تداوم پیدا کند در ۹ ماهه آینده که از سال آبی باقی مانده باید به مراتب شرایط بحرانی تری در تابستان برای تالاب ها و دریاچه ها انتظار داشته باشیم، به رغم اینکه این شرایط سالها در کشور تکرار می شود اما هنوز نتوانستم تاب آوری خود، تالاب ها، دریاچه ها، مصارف و بهره برداری را در برابر کمبود بارش بالا ببریم و به همان شیوه ناپایدار بهره برداری می کنیم که نتیجه آن خشک شدن تالاب ها در پایین دست است.